



Criticism of the Application of the General Spirit of the Quran from the Viewpoint of Amina Wadud*

Nafiseh Moghise¹

Tahireh Mahrozadeh²

Abstract

The term “general spirit” of the Holy Quran is based on the concept proposed by Amina Wadud, a neo-Muslim of African-American origin. Shee believes that the verses of the Holy Quran should be interpreted based on this basis; because the general spirit and supreme goal of the Holy Quran have been gender equality. After presenting its solutions and methods in understanding the verses of the Holy Quran and reaching a bottleneck, the movement of returning to the Quran has chosen this basis to maintain and continue its movement. This stream analyzes the Quran based on hermeneutic-historical approaches and believes in the fluidity of the meaning of each word or verse based on the historical-cultural conditions of the reader of the text. The basis of the general spirit is the basis of the hermeneutic-historical method, which has not been seriously disputed so far. This article, which was written with a documentary method and a descriptive-analytical approach, deals with two main criticisms in terms of the ineffectiveness of this basis in the interpretation of the verses of the Holy Quran and its hermeneutic presuppositions and its triple consequences in the process of interpretation. The consequences of this basis include the separation of the Holy Quran and the Sunnah, the inadequacy of the Sunnah in expressing the meanings of the verses of the Holy Quran, the belief in the historicity of the Quran, and the absence of an objective and stable understanding of the Holy Quran.

Keywords: Holy Quran, Amina Wadud, General Spirit of the Quran, The Basis of Interpretation, Theological Interpretation, The Historicity of the Quran.

*. **Date of receiving:** 20 February 2022; **Date of correction:** 20 April 2021; **Date of approval:** 29 May 2022.

1. Ph.D. in Comparative Exegesis, Bintul Hoda Higher Complex (Corresponding Author) na.moghise@gmail.com

2. Assistant professor and Faculty Member, of Bintul Hoda Higher Complex. mahrozadeh@gmail.com



نقد کاربست روح کلی قرآن از منظر آمنه ودود*

نقیسه مقیسه^۱ و طاهره ماهرزاده^۲

چکیده

اصطلاح روح کلی قرآن کریم مبنایی است که توسط آمنه ودود، نومسلمان آفریقایی - آمریکایی تبار، مطرح شده است. وی معتقد است که باید آیات قرآن کریم را بر اساس این مبنا تفسیر کرد؛ چراکه روح کلی و هدف عالی قرآن کریم، تساوی جنسیتی بوده است. جریان نهضت بازگشت به قرآن پس از ارائه راهکارها و روش‌های خود در فهم آیات قرآن کریم و رسیدن به تنگنا، این مبنا را برای حفظ و تداوم جریان خود برگزیده است. این جریان قرآن را بر اساس رهیافت‌های هرمنوتیکی - تاریخی تحلیل نموده و معتقد به سیال بودن معنای هر واژه یا آیه بر اساس شرایط تاریخی - فرهنگی خواننده متن است. مبنای روح کلی، مبنای روش هرمنوتیکی - تاریخی است که تاکنون مورد مناقشه جدی قرار نگرفته است. این مقاله که با روش اسنادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است، به دو نقد اصلی در عناوین ناکارآمدی این مبنا در تفسیر آیات قرآن کریم و داشتن پیش فرض‌های هرمنوتیکی و پیامدهای سه‌گانه آن در فرایند تفسیر پرداخته است. پیامدهای این مبنا شامل جدایی قرآن کریم و سنت، نارسایی سنت در بیان مفاهیم آیات قرآن کریم و اعتقاد به تاریخ‌مندی قرآن و عدم وجود فهم عینی و ثابت از قرآن کریم است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آمنه ودود، روح کلی قرآن، مبنای تفسیر، تفسیر تألیف‌گرایانه، تاریخ‌مندی قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۱/۳۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

۱. دکتر تفسیر تطبیقی مجتمع عالی بنت الهدی [نویسنده مسئول]؛ (na.moghise@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی مجتمع عالی بنت الهدی؛ (mahrozadeh@gmail.com).

۱. بیان مسئله

در قرن بیستم نهضتی در میان مسلمانان شکل گرفت که هدف اصلی و بنیادین آن بازگشت به قرآن بود؛ چراکه در این دوره آثار تفسیری و دینی محققان محصول عقل و نقل بود. در این دوره مسلمانان با توجه به مشکلاتی که در جوامع آنان پیش آمده بود، تنها راه نجات خود و جوامع اسلامی را بازگشت به اصل دین یا همان قرآن می دانستند. در این میان نهضتی شکل گرفت که بازخوانی و قرائت مجدد از قرآن را اصلی ترین راه حل برون رفت از تمامی این مشکلات می دانست (بیرامی و همکاران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش شناسی آمنه ودود در فهم قرآن»، ۱۳۹۷: ۶).

این باور موجب شد تا مسائل و مبانی جدیدی در تفسیر و قرائت قرآن مطرح شود. یکی از مهم ترین مسائل جدید پیدایش مبنایی نو در تفسیر قرآن بود که بعدها به عنوان مبنای روح کلی قرآن کریم، مطرح شد.

مبانی تفسیر قرآن کریم از دیرباز در میان مسلمانان، چه شیعه و چه اهل سنت، مشخص و محدود بوده اند. با رجوع به منابع مسلمانان می توان این مبانی را به مبانی مشترک (امکان فهم و جواز تفسیر قرآن کریم، سطوح و بطون قرآن، حجیت سنت پیامبر، سلامت قرآن از تحریف، حجیت عقل) و مبانی مختص در تفسیر فریقین (حجیت سیره اهل بیت علیهم السلام در تفسیر وحی و حجیت قول صحابه در تفسیر وحی) تقسیم کرد. (نجار زادگان، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن کریم در دیدگاه فریقین، ۱۳۹۱: ۷-۱۲)

مبنای روح کلی، آیات قرآن کریم را بر اساس هدف اصلی قرآن که عدالت و تساوی جنسیتی دانسته شده است، تفسیر می کند. آمنه ودود شخصیتی است که مستقلاً به این مبنا تصریح کرده و جریان این مبنا در تفسیر وی مشهود است. طرح این مبنا سبب شد تا جریان اسلامی بازگشت به قرآن و جریان هایی همانند فمینیسم اسلامی که به دنبال راهکاری برای تفسیر آیات قرآن بر ممدار زندگی امروزی بودند، این مبنا را برای تحلیل و تفسیر آیات قرآن کریم اتخاذ کنند. این فرآیند سبب پیدایش تفاسیر و برداشت های نوین از قرآن کریم گردید، به همین جهت شناخت و تبیین این مسئله از ضروریات مبحث علوم قرآنی است. امروزه نیز جوامع دانشگاهی سوالات و شبهاتی برآمده از این مبنا بیان می کنند که ضرورت بررسی آن را دوچندان می کند. نگارنده بر آن است تا این مبانی تفسیری را مورد بررسی قرارداد و تأثیرات آن بر تفسیر قرآن را بیان کند. این مقاله با روش اسنادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است.

۲. پیشینه

قرآن پژوهان معاصر به نقد و بررسی روش هرمنوتیکی آمنه ودود پرداخته‌اند. مقاله «بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، تفسیر آمنه ودود در قرآن»، نوشته اسماء بارلاس (۱۳۹۲) و مقاله «متن‌گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سوره النساء»، نوشته حسین خندق‌آبادی (۱۳۹۴)، به بررسی روش و تأثیر آن در جریانات فمینیستی و تأثیرات آن پرداخته است. مقاله «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی» که توسط بیرامی و همکاران (۱۳۹۷) نوشته شده است، به بررسی روش هرمنوتیکی آمنه ودود و تأثیرات آن بر جریان فمینیسم اسلامی پرداخته است. در این مقالاتی که با موضوع روش هرمنوتیکی آمنه ودود نگاشته شده‌اند، تنها به شکلی اجمالی و گذرا به مبنای تفسیری وی، روح کلی حاکم بر قرآن کریم، پرداخته شده است.

۳. پیشینه روح کلی قرآن کریم

آمنه ودود، یا مری تسلی، در ایالت مریلند آمریکا در خانواده‌ای مسیحی متدیست به دنیا آمد. وی که یک آمریکایی آفریقایی تبار است در سال ۱۹۷۱م، اسلام آورد و دو سال بعد، نام خود را به آمنه ودود تغییر داد. ودود، کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات خاورمیانه و دکتری‌اش را در رشته ادبیات عرب و مطالعات اسلامی از دانشگاه میشیگان گرفت. در دانشگاه قاهره زبان عربی خود را ارتقا داد و در دانشگاه الازهر فلسفه خواند. بعد از آن سه سال در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی استادیار رشته مطالعات قرآنی بود و در همان جا کتاب قرآن و زن، که رساله دکتری وی بود، را چاپ کرد. در سال ۱۹۹۲م، به‌عنوان استاد دین و فلسفه در دانشگاه ویرجینیا مشغول به کار شد. در سال ۲۰۰۸م در این دانشگاه بازنشسته شد و از آن زمان تاکنون در اندونزی تدریس می‌کند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۱۲).

آمنه ودود نام روش هرمنوتیکی‌اش را هرمنوتیک توحیدی یا روش تفسیر توحیدی می‌نامد. وی تصریح می‌کند، برای بررسی یک متن در نظر گرفتن سه نکته لازم است: فضایی که متن در آن نوشته شده، ساختار نحوی متن و جهان‌بینی متن (قادری، «کاوشی در مسئله زن و قرآن به شیوه هرمنوتیکی در کتاب آمنه ودود»، ۱۳۹۵: ۱۶). بر این اساس، عنصر منحصر به فرد در خواندن و فهمیدن هر متن، توجه به متن پیشین (پیش‌دانسته‌ها و چهارچوب‌های فکری) خواننده است. متن پیشین و فرهنگ و بافت تاریخی‌ای که خواننده متن در آن حضور دارد سبب فردیت در تفسیر می‌شود. ودود وجود متن پیشین را نه خوب می‌داند و نه بد. زمانی این امر بد است که خواننده‌ای خاص متن را با توجه به متن پیشین و جهان‌بینی‌اش قرائت کند و اصرار داشته باشد که تنها تفسیر و فهم ممکن از قرآن کریم همان چیزی است که فهمیده است (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۴).



ودود با انتقاد از رویکرد یک‌سویگرانه سنتی - که شامل غالب تفاسیر و متون مذهبی می‌شود - راه تفسیر قرآن را «تأویل توحیدی» یا همان هرمنوتیک توحیدی بر اساس روش دو حرکتی فضل الرحمان می‌داند. بر این اساس تفسیر قرآن باید با توجه به وحدت در همه بخش‌های قرآن صورت گیرد نه به شکل تأکید بر معنای هر آیه به شکل جداگانه (بیرامی و همکاران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش‌شناسی آمنة ودود در فهم قرآن»، ۱۳۹۷: ۱۷).

با نگاهی کلی به آثار و عقاید ودود، وی را می‌توان دانشمندی رشدیافته در نهضت نواندیشان مسلمان دانست. مبنای اندیشه او توجه به روح کلی حاکم بر قرآن کریم است که باید مسلمانان برای دستیابی به آن تمام تلاش خود را به‌کارگیرند. وی معتقد است، این مبنا بر اساس الگوی هرمنوتیکی قابل فهم و سامان‌یافته به دست می‌آید (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۳). روش اتخاذی او در فهم و تفسیر قرآن کریم برگرفته از روش دو حرکتی فضل الرحمن است.

۱-۳. خاستگاه روح کلی قرآن

فضل الرحمن، محقق و اندیشمند پاکستانی، از محققان سرشناس فلسفه اسلامی و یکی از نواندیشان اصیل دینی در قرن بیستم بود. وی به دلیل تلاش در تدوین «منظومه‌ای اخلاقی» بر مبنای قرآن، در میان اسلام‌شناسان غربی مشهور گردید (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۵۲). فضل الرحمن کوشید تا در حوزه نقد تاریخی میراث علوم اسلامی و شناخت شرایط حاکم بر انسان کنونی بازاندیشی کند. در این میان بیشترین تلاش وی برای دستیابی به بازاندیشی در روش‌های تفسیر قرآن معطوف گردید. وی در این باره می‌نویسد: شاید تعجب کنید؛ اما به نظر من درباره حیات عقلانی و اسلامی بر محور جست‌وجو، باید روش صحیحی برای تفسیر قرآن قرارداد ... منتها مسلمانان چنانکه باید به مسائل اصلی روش و دانش تفسیر نپرداخته‌اند ... نتیجه اینکه حیات عقلانی اسلامی هنوز محقق نشده است (Rahman, Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition, 1982, 10-11).

فضل الرحمن به بازخوانی تفکر سنتی حاکم بر جامعه اسلام در مسائل مختلف جامعه اسلامی از جمله مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار اهتمام داشت؛ از اعتقادات قاطع وی این بود که یکی از اهداف قرآن، پدیدآوران جامعه بر اساس عدالت است. او حضرت محمد ﷺ را یک مصلح اجتماعی می‌دانست که قصد داشت تا مستمندان، ناتوانان و قشر آسیب‌پذیر در جامعه را توانا و نیرومند سازد (شفیعی، «رهیافت‌های تاریخی به تفسیر قرآن»، ۱۳۹۶: ۱۳).

بر اساس اندیشه فضل الرحمان ارتباط متن قرآن با تاریخ بسیار وسیع است و نمی‌توان بدون توجه به مسائل تاریخی زمانه نزول، نگاهی امروزی به قرآن داشت. این باور سبب می‌گردد تا تغییراتی گسترده در زمینه فهم قرآن و مقولات مرتبط با آن پدید آید. از جمله تبیین وحی قرآنی، روش تفسیر قرآن، نظریه اخلاقی و حقوقی قرآن و همانند آن. فضل الرحمان یکی از پیش‌گامان اتخاذ این رویکرد در میان نواندیشان مسلمان است (عباسی، «رویکرد تاریخی فضل الرحمان به قرآن، بررسی توصیفی-تحلیلی»، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

۲-۳. روش دو حرکتی فضل الرحمان

روش هرمنوتیکی فضل الرحمان در تفسیر قرآن کریم، به نظریه دو حرکتی معروف است. این نظریه بر مبنای روح کلی حاکم بر قرآن کریم شکل می‌گیرد. دیدگاه فضل الرحمان به عنوان یک اصلاحگر در امور دینی این است که تحقق اهداف قرآن در زمان کنونی با ترجمه تحت‌اللفظی و تفسیر متداول قرآن کریم در میان مسلمانان میسر نمی‌گردد، چراکه این روش‌ها منجر به عقیم ماندن اهداف قرآن کریم شده‌اند (Rahman, THE IMPACT OF MODERNITY On ISLAM, 1966, pp. 14-17).

وی نظریه دو حرکتی خود را چنین شرح می‌دهد: نخست می‌بایست از وضعیت فعلی به زمان نزول قرآن برگردیم، سپس به زمان کنونی برگردیم. حرکت اول خود بر دو گام مبتنی است: نخست لازم است مفهوم یا معنای هر آیه از رهگذر وضعیت تاریخی یا مسئله‌ای که آیه یادشده پاسخی به آن بوده است، فهمیده شود. بنابراین، در گام نخست از حرکت اول، قرآن چون یک کل فهمیده می‌شود که در دل آن پاسخ‌های معینی برای اهدافی خاص وجود دارد، اهداف اخلاقی - اجتماعی عامی که در پرتو بافت اجتماعی تاریخی و منطق عقلانی قابل استنباط است. همین گام اول - یعنی فهم آیه معین - خود گام دوم را در پی دارد و درگذر از حرکت، مضمون تعالیم قرآنی برای دستیابی به مبانی و ارزش‌ها و غایات به‌دست آمده بود، با ساختار زندگی کنونی تطبیق می‌گردد. به این معنا که پیام عام قرآن باید در چهارچوب اجتماعی امروزی متبلور و نمایان شود. باید تأکید کرد که این امر نیازمند بررسی دقیق شرایط کنونی و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده آن است، به‌طوری‌که بتوانیم ارزش‌های قرآنی را به‌صورت استوار و نو در جامعه اجرا نماییم» (ibid).

بر این اساس هر مسلمانی برای تفسیر قرآن نخست می‌بایست شرایط تاریخی و بافت فرهنگی نزول قرآن کریم را دریابد؛ سپس تمامی مؤلفه‌های نزول و شرایط زمانی و تاریخی آیه را از آن جدا سازد تا به هدفی که آیه درصدد بیان آن است دست یابد. درنهایت این هدف را بر اوضاع و شرایط کنونی تطبیق دهد به شکلی که سازگاری با دنیای امروز و زندگی روزمره مسلمانان داشته باشد.



به کارگیری این روش در معنایی که ودود از ترک مضاجع ارائه کرده است کاملاً مشهود است. وی مراد و مفهوم آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُزُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ كَبِيرًا» (نساء / ۳۴)؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است» را اصل عمومی قرآن درباره مشاوره زناشویی می‌داند. از این رو هدف آیه را حل مشکلات زوجین و بازگشت به صلح و سازگاری می‌داند، نه خشونت و فرمان برداری اجباری. با توجه به مراد آیه و هدف آن معنای ترک مضاجع را دادن یک‌زمان انتظار به زوجین برای رسیدن به یک راه حل صلح‌آمیز یا همان طلاق بیان می‌کند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

۴. مبانی روح کلی حاکم بر قرآن کریم

از آنجاکه ودود در تمامی برداشت‌های قرآنی خود از روش و نگاه فضل‌الرحمن پیروی کرده است، می‌توان مهم‌ترین مبانی روح کلی قرآن کریم را همان مبانی اصلی فضل‌الرحمن دانست؛ یعنی عدالت اجتماعی - اقتصادی. بدین معنا که هدف اصلی قرآن رسیدن جوامع اسلامی بپیرامی و همکاران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش‌شناسی آمنه ودود در فهم قرآن»، (۱۳۹۷: ۱۶).

۱-۴. مبانی اول: تساوی جنسیتی

ودود در کتاب «قرآن و زن» تصریح می‌کند، تنها راه ایمان آوردن به همه کتاب قرآن کریم، تشخیص روح کتاب و جهان‌بینی، بینش و هدف نهایی آن است. برای رسیدن به روح کلی و ایمان، باید منطق و دلیل پشت جملات قرآن کریم را حتی اگر به شکل صریح بیان نشده باشد به دست آورد (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۱۴۷). ودود تفسیر آیه «...و اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاتِ أَنْ تَضِلَّ

إِخْدَتُهُمَا فَتَذَكَّرْ إِخْدَتُهُمَا الْأُخْرَى» (بقره/ ۲۸۲)؛ و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند...» در نگاه و دود از آنجا که زنان عصر در نبی مکرم اسلام ﷺ تحت سلطه مردان بوده‌اند، از این رو برای برقراری امنیت زنان و نیز هدالت برای آنان نیاز به شهادت دو نفر بوده است. اساس و پایه برداشت وی رجوع به روح کلی قرآن کریم که عدالت اجتماعی و تساوی جنسیتی است، بوده است. بر این پایه امروزه که زنان از آزادی‌های اجتماعی مساوی با مردان برخوردارند و تحت فشار و سلطه مردانه نیستند، شرایط آیه منسوخ شده است و دیگر نیازی به شهادت دو زن نیست. نتیجه آنکه زنان و مردان در شهادت دادن برابری و هیچ تفاوتی در عدد ندارند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۱۵۲-۱۵۳). چنین تفسیری از آیه یادشده تنها با بر اساس مبنای تساوی جنسیتی و توجه به روح کلی قرآن کریم به دست می‌آید.

۲-۴. مبنای دوم، مقاصد شریعت

از سویی دیگر، مبنای روح کلی قرآن کریم برآمده از قاعده مقاصد شریعت در اصول فقه اهل سنت است. بر این اساس برای فهم روح کلی قرآن کریم باید مقاصد شریعت بیشتر توضیح داده شود. مقاصد شریعت در اصطلاح اصولی به مقاصدی گفته می‌شود که شارع در هنگام صدور تمام یا غالب احکام شرعی به آنان توجه داشته است، به گونه‌ای که حکم خاص یا نوع خاصی در اهداف آن دخیل نباشند (ابن عاشور، مقاصد الشریعه الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق: ۲/ ۲۵۱). به شکلی شارع شناسایی مالکیت دولت اسلامی نسبت به فیء را عدم تمرکز ثروت در انحصار عده خاص یعنی عدالت عنوان کرده است، «کَلَّا لَا يَكُونُ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ (حشر/ ۷)؛ تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد» که از آن به عنوان مقصد کلان شناسایی می‌شود (نقیبی، «مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی»، ۱۳۹۶: ۲۲۶). این مقاصد الزاماً آثار عادی، عقلایی، اجتماعی و تکوینی نیستند (مبلغی، فقه رسانه، ۱۳۹۳: ۱۶). همان‌طور که در مبحث مقاصد شریعت، رسیدن به مقصود و هدف اصلی شارع از بیان حکم مهم است و تمامی احکام اسلامی ابتدا با این قصد و هدف سنجیده می‌شوند و در صورت تعارض با این قصد و هدف کنار گذاشته می‌شوند.

در مبنای روح کلی قرآن نیز مفسر با پیش فرض اینکه مراد خداوند متعال از نزول تمامی آیات برقراری جامعه‌ای بر اساس عدالت بوده است. مفسر آیات قرآن کریم را می‌سنجد و اگر ظاهر آیه‌ای با این روح و هدف ناسازگاری داشت بر مبنای این روح که عدالت و برابری جنسیتی است، معنای آیه را به تأویل می‌برد، به گونه‌ای که با برابری جنسیتی سازگار باشد.

آمنة ودود در آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ كَبِيرًا﴾ (نساء/ ۳۴)؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است». هدف آیه را سازگاری میان زوجین بیان می‌کند، بر این اساس و با تصریح بر اینکه مبنا و روح کلی در قرآن کریم عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی است؛ تأکید می‌کند که مراد و مفهوم از واژه ضرب ترک کردن مکان، یا در پیش گرفتن سفر است؛ از این رو وظیفه مردان به هنگام نشوز زنان به سفر فرستادن آنان است. در نگاه ودود، مردانی که بر اساس ظاهر این آیه عمل می‌کنند هدف آیه را که سازگاری است در نظر نگرفتند و تنها در پی ضربه زدن و آسیب رساندن هستند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۴۰).

۵. ارزیابی و نقد مبانی روح کلی قرآن

روح کلی قرآن کریم هرچند برای اولین بار توسط آمنة ودود مطرح گردید؛ اما این نظریه با اشکالات جدی مواجه است:

۱-۵. اجرایی نشدن نظریه

شاید بتوان مهم‌ترین آسیب چنین رویکردی به قرآن کریم را اجرایی نشدن این روش به شکل کامل و تام در تمامی موارد آیات، به خصوص در رابطه با آیات الاحکام دانست (علمی، «بررسی و نقد نظریه فضل الرحمن در بازسازی اجتهاد در دین»، ۱۳۸۶: ۱۳۱). عقل آدمی از درک و ابهام‌زدایی احکام قرآن کریم، به خصوص آیات مرتبط با احکام عبادی عاجز است، ازاین‌رو نمی‌توان بر اساس دانسته‌های محدود و مشروط بشری اقدام به تفسیر و یا تبیین آیات الهی نمود.

به اعتقاد فضل الرحمن، نگاه جزءنگرانه فقه اسلامی در تفسیر سبب درهم ریختگی تفاسیر آیات اخلاقی - فقهی قرآن شده است و این امر در تمامی احکام فقهی قابل اثبات و مشاهده است. بر این اساس برای دستیابی به احکام فقهی قرآن کریم ابتدا باید اصول عمومی یا همان هدف آیه را به دست آورد. منظور وی از اصول عمومی در نظریه دو حرکتی همان اصول اخلاقی قرآن است که علت صدور اوامر و نواهی قرآن بوده است. وی معتقد است که برای رسیدن به احکام فقهی قرآن نخست باید اصول اخلاقی قرآن کریم را به دست آورد، سپس احکام فقهی را با آنان منطبق ساخت (عباسی، «رویکرد تاریخی فضل الرحمن به قرآن، بررسی توصیفی - تحلیلی»، ۱۳۹۵: ۱۶۹). همان روشی که ودود بعدها برای دستیابی به معنای واژه ضرب به آن استدلال کرده و مراد از آن را سفر بیان می کند. در این روش زمانی که یک حکم اخلاقی و فقهی در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند، باید حکم فقهی را با توجه به اصول کلی اخلاقی قرآن که همان اصل توجه به عدالت و برابری در تمامی زمینه هاست، تغییر داد حتی اگر با ظاهر آیه و معنای کلمات در تضاد باشد.

۲-۵. نبود مبنا و روش مشخص

کتاب ودود از دو جهت قابل تأمل و بررسی است. اول آنکه کتاب به بررسی و تبیین چند آیه بسنده کرده است و در رابطه با باقی آیات و احکام مرتبط با زنان سخنی گفته نشده است، آیاتی همچون ظاهر، طلاق و ... دوم آن که همچون فضل الرحمن راهکاری ثابت و معین را برای دستیابی به هدف آیه و همچنین انطباق آن با مسائل روز بیان نکرده است. و تنها به این مسئله اشاره کرده است که برای دستیابی به این روح کلی، باید به یک چارچوب و الگوی ثابت هرمنوتیکی دست یافت (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۳)؛ اما تبیین اینکه این الگو چیست و دسترسی به آن چگونه است را رها کرده است. شاید بتوان دلیل آن را در کتاب جدید ودود «جهاد جنسیتی، اصلاح زنان در اسلام» جست. وی در چالشی نو، نه گفتن به برخی موارد قرآن کریم به عنوان متنی مقدس را آغاز کرده است. وی راهکاری ثابت و معین برای رهیابی به تفاسیر و مدالیل آیات را بی اعتبار می داند. بر اساس چالش جدید وی، هرگاه عبارتی قرآنی خلاف شعور و درک انسان کنونی بود؛ باید آن را کنار نهاد (Wadud, Inside the gender Jihad: women's reform in Islam. 2006: 193).

ودود معتقد به نادرستی بسیاری از عقاید رایج در میان مسلمین از جمله تعدد زوجات است. وی آیات در رابطه با تعدد زوجات را دلیلی بر تبعیت زن از شوهر خویش معنا نمی کند؛ بلکه هدف اصلی این آیات را به روح کلی قرآن کریم ارتباط می دهد که بر اساس اصولی چون انصاف و عدالت، رفتار منصفانه، در اختیار قرار گرفتن منصفانه اموال، عدالت با یتیمان و همسران است (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۶۰).



اندیشمندان و قرآن‌پژوهان شیعه و سنی، معتقدند که تفسیر قرآن دارای مبانی، اصول، روش‌ها، سبک‌ها و علوم مرتبط همچون علوم قرآن است. با توجه به تمامی این موارد می‌توان به منطق تفسیر قرآن یا همان شیوه صحیح استنباط از قرآن دست‌یافت. در میان موارد بالا، قواعد تفسیر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه عدم توجه به آن‌ها موجب به بیراهه رفتن تفسیر می‌گردد که نتیجه فهم نادرست است. در این هنگام است که معنای آیات و مقاصد خدای متعال نادیده گرفته می‌شود (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن، ۱۳۹۲: ۲۴۷). درواقع این بایدها و نبایدها هستند که سبب می‌گردند تا خطاهای تفسیری کم کردند و هرج‌ومرج در تفسیر رخ ندهد (اشرفی، مبانی تفسیری علامه طباطبایی در المیزان مبانی مرتبط با متن، ۱۳۹۹: ۵۳). ازاین‌رو نمی‌توان بدون داشتن رویه‌ای واحد و تنها با تکیه بر روح کلی آیات یا اصول کلی اخلاقی آیات، به تفسیر و فهم قرآن اقدام کرد. رعایت نکردن این مسئله، موجب شده است که ودود دچار چندگانگی در تفسیر شود، شاهد این مدعا فقدان راهکاری ثابت و معین برای تفسیر تمامی آیات است علاوه بر آنکه توضیح داده نشده که این روح کلی چگونه بر تمامی آیات قرآن تسری می‌یابد؛ همین دلیل سبب شده تا این مفسر در تفسیر آیاتی از قرآن کریم درماند و فهم آنان را مسکوت گذارد. بیان یک روش جدید در هر علمی نیازمند آن است که تمامی شرایط و ضوابط مرتبط با این روش و کلیه چهارچوب‌های آن معین و تبیین گردد و صرف انطباق یک نظر با چند آیه قرآن کریم و انطباق یافتن اصول اخلاقی قرآن در مواردی محدود، دلیل تسری یافتن آن بر تمامی آیات نیست.

۳-۵. وجود پیش‌فرض در روح کلی قرآن کریم

علاوه بر آسیب عدم تسری این مبنا بر تمامی آیات، دومین اشکال و آسیب نظریه دو حرکتی، داشتن پیش‌فرض است. این پیش‌فرض‌ها به گونه‌ای است که رد یا قبول آن‌ها، معادل قبول یا رد خود نظریه دو حرکتی است (آزاد، «نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی فضل الرحمان در تفسیر قرآن»، ۱۳۸۸: ۱۴۴). در تفسیر قرآن معمولاً پیش‌فرض‌ها به سلسله تصورات و تصدیقاتی گفته می‌شود که از منبعی بیگانه با متن گرفته شده و بدون توجه به متن و خصوصیات و قرائن تفسیری آن، بر آن تحمیل می‌گردد (دادسرشت و علوی مهر، «بررسی پیش‌فرض‌های علوم اجتماعی با تأکید بر قرآن»، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

ودود نیز در مباحث تفسیری خود عدالت و برابری در همه زمینه‌ها و به خصوص در میان دو جنس زن و مرد را پیش‌فرض گرفته است. در نگاه او، مباحث معناشناختی در رابطه با هرمنوتیک توحیدی و متن پیشین از مسائلی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۳). همین مسئله سبب شده تا ودود در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُم

الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء/ ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت». مراد از نفس واحد را ماده اولیه خلقت بداند، بدون آن که به جنسیت خاصی اشاره شده باشد؛ چراکه خداوند متعال در قرآن کریم درصدد بیان عدالت و تساوی است، بنابراین آنچه زوج در این آیه نامیده شده است؛ در واقع اشاره به این دارد که خدا تنها فرد عالم است و هیچ شریک و زوجی ندارد و تمامی موجودات این عالم دارای زوجیت هستند. وی هدف آیه را بیان برابری جنسیتی با تکیه بر توحید خالق تبیین می‌کند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۵). این در حالی است که با توجه به متن آیه و سیاق آن و رجوع به قرائن، نمی‌توان به چنین نتیجه‌ای رسید و هدف آیه با آنچه ودود بیان می‌کند در تضاد است. با توجه به روش فهم و استدلال‌های موجود در کتاب ودود به راحتی روشن می‌گردد که وی بدون توجه به قرائن متن و تنها با تکیه بر پیش فرض اقدام به تفسیر این آیه کرده است. علاوه بر تمامی آنچه تاکنون بیان گردید؛ نداشتن پیش فرض در تفسیر آیات قرآن کریم از شرایط تفسیر است. هر شخصی موظف است در هنگام مواجهه با آیات قرآن کریم بدون داشتن هرگونه پیش فرض و تنها با رجوع به قرائن معتبر در علم تفسیر، به شناسایی معنای دقیق واژگان و مراد خداوند متعال در بیان آیات بپردازد.

۶. پیامدهای نظریه روح کلی قرآن کریم

وجود پیش فرض‌های هرمنوتیکی در قرآن کریم سبب بروز پیامدهایی چون جدایی قرآن از سنت، تاریخ‌مندی قرآن کریم و عدم وجود فهم ثابت و عینی از قرآن کریم می‌گردد.

۱-۶. جدایی قرآن کریم از سنت

ودود مطالعه قرآن، به شکل موضوعی را موردبررسی قرار داده و در جست‌وجوی روح قرآن در ورای الفاظ قرآن کریم است (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۰). آنچه در باورهای ودود بسیار نمایان است، جداسازی وحی از سنت و یا به زبانی رساتر جداسازی قرآن از تمامی قرائن برون‌متنی است. هدف وی، فهم بر اساس روابط درون‌متنی در خدمت فهم و تبیین فضا یا روح قرآنی است. وی روایات را به‌عنوان زبان و متن پیشین خواننده تلقی می‌کند که تنها اثر آن درک و شناخت اوضاع زمان عصر نزول است؛ اما فهم روایات و درک معنای آنان شامل زمان کنونی نمی‌شوند؛ چراکه سبب محدود شدن قرآن کریم در عصر نزول می‌گردند که با هدف جهانی روح کلی در

تناقض است. این مسئله در تفسیر او از معنای زوجیت در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء/۱)؛ «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت» کاملاً مشهود است (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۶۴).

در طول تاریخ روش‌های تفسیری گوناگونی شکل گرفته‌اند که انگیزه‌ها و عوامل مختلفی در شکل‌گیری این روش‌ها دخیل بوده‌اند. از طرفی هرکدام از این روش‌ها دارای گرایش‌ها متعدد هستند، و بر اساس ذوق و توانایی مفسر به تفسیر جنبه‌های مختلف قرآن کریم پرداخته‌اند. ودود این مقوله از تفسیر را، سنتی می‌داند که در آن سعی نشده تا موضوعات اصلی قرآن مشخص شوند و ارتباط قرآن با خودش در هیچ‌یک از آنان تعیین نشده است (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۰). در آثار ودود به راحتی می‌توان انکار اهمیت علوم قرآنی و اسلامی و احکام اسلامی را مشاهده نمود، آنچه از نظر وی مورد توجه قرار گرفته است، بازگشت به هدف است بدین معنا که ما به دنبال هدف نهایی از بیان احکام باشیم (حسینی، «نقدی بر کتاب قرآن و زن نگاشته آمنه ودود»، ۱۳۹۵: ۲۴)؛ در این روش و بر اساس مبنای روح کلی قرآن کریم، می‌باید از تفسیر جزئی قرآن کریم حذر کرد و تنها آیات را بر اساس برابری جنسیتی تفسیر یا فهم کرد.

در این بین آنچه اهمیت بسزایی دارد، این است که در تمامی روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، آنچه مورد توافق اکثریت بوده است، استفاده از روایات به عنوان قرائن بی‌بدیل تفسیر قرآن است که از دوران حیات رسول اکرم ﷺ آغاز و تا امروز ادامه دارد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)، ۱۳۹۰: ۹۱). ودود برای تفسیر آیاتی که آنان را در کتاب خود ذکر کرده از هیچ روایتی حتی به عنوان شاهد بر مدعای خود استفاده نکرده است و تنها الفاظ قرآنی را برای کشف روح قرآن به کار برده است، در حالی که، سیر تاریخی تفسیر قرآن خود گواه این نکته است که همواره روایات معتبر، به عنوان یکی از قرائن ناپیوسته قرآن، در دانش تفسیر به کار می‌رفته‌اند. قرینه بودن روایات از سه راه اصول عقلی، دلایل قرآنی و دلایل روایی قابل اثبات است (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱۵۱). اینکه ودود در تفسیر آیه اول سوره نساء مراد از نفس را شاکله اولیه خلقت دانسته است و از کلمه زوج معنای زوجیت تمامی موجودات را در نظر گرفته است، ریشه در عدم رجوع به روایات دارد. چه اینکه روایات بسیاری در رابطه با خلقت آدم ﷺ در منابع شیعه و سنی وارد شده است که اذعان می‌کنند مراد از نفس حضرت آدم ﷺ و مراد از زوجها، همسر او حواست. در تفسیر آیات قرآن کریم، به خصوص آن دسته از آیات همچون آیات

خلقت که دلایل عقلی یا گواه بشری، از تبیین آن معذورند؛ نیاز به رجوع به روایات کاملاً مشهود است. عدم رجوع به روایات، در سایر تفاسیر ودود به چشم می خورد، لذا می توان از نوع تفسیر او بدین نتیجه رسید که نه تنها مبنای روح کلی قرآن برای تفسیر قرآن کافی نیست، بلکه در مواردی با قرائن دورن متنی و برون متنی قرآن کریم در تضاد است.

۲-۶. تاریخ‌مند شدن قرآن کریم

دومین پیامد به کارگیری مبنای روح کلی قرآن کریم، تاریخ‌مند شدن قرآن کریم است. تاریخ‌مندی قرآن پدیده‌ای نوظهور در علوم قرآنی است و مباحث مرتبط با آن تقریباً از نهضت بازگشت به قرآن مطرح شد. در تاریخ‌مندی یعنی تأثر عالم - به اعتبار آنچه در آن است - از یک نگرش مادی - مکانی که این تأثر حتمی، نسبی، دائمی است و نحوه تأثیر و تأثر نیز در صیورورت و دگرگونی است و تاریخ‌مندی قرآن یعنی تأثر آن از زمان و مکان و مخاطب (عرب صالحی)، «مبنای تاریخ‌مندی قرآن و تحلیل و نقد مبنای وحی شناختی آن»، (۱۳۹۵: ۶۶۰). همچون آیات ناظر بر علوم طبیعی و آفرینش هستی که در نگاه مستشرقان از فرهنگ زمانه خود نشأت گرفته‌اند (ریاحی مهر و کریم پورقراملکی، «بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم»، ۱۴۰۰: ۲۵).

از دیدگاه قائلان به تاریخ‌مندی قرآن، به دلیل آنکه متون در برهه‌ای خاص از زمان تولید می‌شوند، لاجرم تأثیر گرفته از زبان و قوانین آن دوره هستند. متن قرآن نیز از این خصوصیت مستثنا نیست، دارای گفتاری است که این گفتار از زبان مردم عصر قرآن گرفته شده و متنی دارد که خطاب به اهل همان عصر است (زنداقطاعی و رئیسپان، «آسیب‌شناسی اثبات تاریخ‌مندی قرآن در آثار نصر حامد ابوزید»، ۱۳۹۶: ۱۳).

ودود نیز در کتاب «زن و قرآن» خود، با تلفیق روش موضوعی تفسیر قرآن کریم بر اساس روح کلی حاکم بر قرآن کریم، به تاریخ‌مند بودن قرآن کریم اذعان می‌کند (بیرامی و همکاران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش‌شناسی آمنه ودود در فهم قرآن»، ۱۳۹۷: ۱۷). لذا الگوی فهم هرمنوتیک خود از قرآن کریم را این‌گونه بیان می‌کند: نخست باید زمینه‌ای که متن در آن نوشته شده است را فهمید، در درجه دوم باید ساختار دستوری متن را مورد بررسی قرارداد و در نهایت کلیت متن، یا جهان‌بینی آیات را به دست آورد (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۴۳). نمود اعتقاد به تاریخ‌مندی قرآن به خوبی در درک او از مسئله لباس و پوشش مشخص می‌شود، او می‌گوید: «قرآن یک تلقی عمومی درباره پوشش را تبیین می‌کند و می‌گوید: «لباس تقوا بهترین لباس است» (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۵۰). بنابراین

اینکه مسلمانان نوع خاصی از حجاب را رعایت می کنند، برداشت آنان از فرهنگ عمومی مسلمین حاضر در قرن هفتم است. به اعتقاد او این تخصیص کاربرد تعالیم قرآنی را محدود می کند، چراکه فرهنگ ها لزوماً عقاید یکسانی درباره عفت ندارند (بارلاس)، «بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن تفسیر آمنه ودود از قرآن»، (۱۳۹۳: ۲۴). از این رو ودود تصریح می کند که ما نیاز داریم بدانیم آنچه قرآن به ما می آموزد، اصل عفت است ... نه روبند زدن و انزوا که نمادهایی مخصوص به بافت بودند (ودود، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ۱۳۹۳: ۵۱).

مبنای روح کلی قرآن کریم، بسیاری از دستورات و احکام دینی را، متعلق به بافت فرهنگی اعراب - به خصوص اعراب قرن هفتم که نگارش تفسیر در آن بسیار رواج داشته است - می داند و به دلیل اینکه هر مخاطبی با توجه به متن پیشین خود اقدام به تفسیر قرآن می کند، تمامی احکام به دست آمده در این دوران را منسوخ دانسته حتی آن دسته از احکامی که در پی دستیابی به اهداف عالیه دین برای زندگی امروزه مسلمانان است. دخیل بودن زمان و مکان در استنباط فقهی میان فقه های شیعه متداول بوده است، لکن اولاً این امر در تمامی آیات قرآن دخالت نداشته، ثانیاً هیچ یک از فقه های شیعه توانایی دین در پاسخ به احکام مستحدثه را دلیل بر تاریخ مندی قرآن نمی دانند؛ بلکه آن را یکی از رموز جاودانگی دین مبین اسلام و قرآن کریم می شمارند (رک: موسوی خمینی، کتاب البیع، ۱۳۷۹: ۲/ ۴۶۱). از سویی دیگر بطن گیری از آیات قرآن کریم بر اساس روش آیت الله معرفت، راه دیگر مرتبط شدن آیات قرآن کریم با مخاطب امروزی است (علیمرادی، «نقد دیدگاه گلدزیهر جامعیت و جهانی بودن قرآن کریم»، ۱۴۰۰: ۲۵۷).

اولین اشکالی که به تاریخ مندی قرآن وارد است، ناسازگاری اش با بسیاری از آیات قرآن است؛ به عنوان نمونه می توان به آیه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان/ ۱)؛ «زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد» اشاره کرد. دومین اشکال وارد شده این است که قرآن مشرف بر حوادث زمان نزول است و نه متأثر از آن. پرواضح است که هر متنی ناظر بر مسائل فرهنگی و اجتماعی عصر خود است اما آنچه دارای اهمیت است، نوع مواجه قرآن با فرهنگ عصر خود است (زنداقطاعی و رئیسیان، «آسیب شناسی اثبات تاریخ مندی قرآن در آثار نصر حامد ابوزید»، ۱۳۹۶: ۱۸). قرآن تنها تبیین کننده این فرهنگ نیست؛ چراکه درجایی آن را تأیید می کند، در جایی دیگر به اصلاح و معتدل شدن آن اقدام می کند و درجایی که این فرهنگ امکان اصلاح نداشته باشد، آن را رد می کند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۴)، ۱۳۹۳: ۹۸). پرواضح است که در موارد دوم و سوم قرآن متأثر از فرهنگ زمانه خود نیست. بنابراین

قرآن تنها به تأیید و تبیین فرهنگ جاهلی و عصر نزول خود پرداخته است، تا با تأثیرپذیری از آن به بیان احکام و دستورات فقهی - اخلاقی پرداخته باشد؛ بلکه قرآن، خود فرهنگی مستقل از آنچه در زمانه نزولش بوده است را برای بشر عرضه کرده است، اگرچه برای بیان برخی از این آموزه‌ها به بیان اتفاقات عصر نزول پرداخته باشد.

اشکال سوم قبول این نظریه مستلزم قبول راه‌یابی خرافات، مطالب ضد علم و عقاید انحرافی و اخلاق ناپسند موجود در عصر جاهلی در قرآن کریم است درحالی‌که خود قرآن این مسئله را رد می‌نماید (رضایی اصفهانی، رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در آیات «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتِيمَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَ يُثْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَ مِّن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَن يَكْفُرْ بِهِ مِّنَ الْأَحْزَابِ فَلِلنَّارِ مَوْعِدُهُ فَلَا تَك فِي مِزْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (هود/۱۷)؛ «آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن، شاهی از سوی او است و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [حق‌طلبان و حقیقت‌جویان] به او (که دارای این ویژگی‌هاست)، ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند»؛ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِن خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/ ۴۱-۴۲)؛ «کسانی که به این ذکر [قرآن] هنگامی که به سراغشان آمد کافر شدند (نیز بر ما مخفی نخواهد ماند) و این کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر* که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است!» افزون بر این از سیاق آیات قرآنی و خطابات که متوجه کفار جاهلی شده است و تدبر در آیات مکی و آیاتی که پس از به قدرت رسیدن اسلام در مدینه نازل شده و اوصاف اعراب در این آیات و همچنین دقت در مذمت و سرزنش‌هایی که درباره کفار جاهلی شده بزرگ‌ترین مدعا در رد این مدعاست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰ ق: ۱۵۱/۴-۱۵۳).

۳-۶. عدم وجود فهم ثابت و عینی از قرآن کریم

از دیگر پیامدهای مبنای روح کلی قرآن کریم، عدم وجود فهم ثابت و عینی از قرآن کریم است. وود در کتاب زن و قرآن خود متن پیشین را تنها راه خواندن و فهمیدن یک متن می‌داند. متن پیشین یعنی فرهنگ زمانه‌ای که نویسنده در آن می‌زیسته است. وی در مقاله مدخل جنسیت به دلیل معتقد بودن به نواندیشی در احکام و صحیح بودن قرائت متن بر اساس متن پیشین هر خواننده، قوامیت مرد

نسبت به زن را تنها در امور مالی آن هم در زمان بارداری تعیین نموده است (فتاحی زاده و افسردیر، «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دایره المعارف قرآن لیدن»، ۱۳۹۳: ۳۵). وی به وضوح اعتقاد دارد که جریان تفسیر یک جریان باز و روبه جلو است، و تفاسیر بدیع، صرف نظر از اینکه از تفاسیر سنتی متفاوت هستند، می باید لازم و مشروع باشند؛ چراکه دانش ما از قرآن باید تا ابد باز و روبه جلو باشد (بیرامی و همکاران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطوّر روش شناسی آئینه ودود در فهم قرآن»، ۱۳۹۷: ۲۰).

پذیرش آرای جدید و تفاسیر جدید از قرآن کریم اگر با توجه به ضوابط و رعایت تمامی قواعد تفسیری باشد، ایرادی ندارد؛ اما باور به عدم وجود درک عینی و ثابت از قرآن کریم، مساوی با پذیرش صحت تفسیر به رأی در قرآن کریم است. از دید هرمنوتیک این پیش فرض ها و ذهنیت مفسر است که قرائت های مختلف از متن را پدید می آورد و هیچ قرائتی بر دیگری برتری ندارد، بنابراین هیچ متن تفسیری معتبری وجود نخواهد داشت و همه تفاسیر در یک جایگاه قرار دارند (واعظی، درآمدی بر هرمنوتیک، ۱۳۸۰: ۵۹). اصلیه رین دلیل مقابله با قبول نظریه ودود، روش فهم و ارتباط عمومی میان نوع انسان است. اگر بنا باشد هر شخصی مجاز باشد تا از هر عبارتی چیزی را درک کن بدون آنکه برای درک خود الزامی نسبت به مراجعه به قواعد و ضوابط آن متن داشته باشد، پس فردی که آشنایی به زبان انگلیسی ندارد؛ باید بتواند از واژه none تلقی نان را بکند. این تلقی بر اساس متن پیشین و ذهنیت او کاملاً قابل درک و پذیرفتنی است (کرانت و تریسی، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس ترجمه و نقد و تحلیل با قرآن، ۱۳۸۵: ۳۲۶). در حالی که سنت و روش عقلای جامعه انسانی چنین نیست. مرتبه ای از فهم قرآن کریم با رعایت اصول و قواعد فهم زبان عربی برای همه میسر است. برخی از این اصول، مشترک میان همه متن هاست و برخی دیگر ویژه قرآن است؛ بنابراین اصول و قواعد فهم قرآن دو گونه است:

۱- قواعد مشترک یا اصول محاوره عقلایی؛

۲- قواعد ویژه فهم قرآن (مصباح یزدی، معارف قرآن (۶) قرآن شناسی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

قرآن کریم به اذعان بزرگان دین و باوجود روایات بسیار و متعدد، تنها با رعایت اصول فهم آن، تفسیر و معنا می گردد و سایر قرائات از آن اگرچه صحیح باشند، بدون در نظر گرفتن قرائن، تفسیر به رأی خواهند بود. علاوه بر دلایل گفته شده، دلایل بسیار زیادی بر عدم صحت و اعتبار تفسیر به رأی گفته شده که از حوصله این مقاله خارج است.

نتیجه گیری

آمنه ودود در کتاب زن و قرآن خود، مبنایی جدید را با عنوان روح کلی حاکم بر قرآن کریم، مطرح کرد. این مبنا درواقع پاسخ به سؤال نواندیشان مسلمان بود که در پی یافتن راهی برای ارتباط میان آیات قرآن کریم و نیازمندی های امروزه بودند.

مبنای روح کلی، قرآن را با توجه به شرایط نزول، هدف آیه و تطبیق هدف آن نسبت به زمانه موجود، تفسیر می کند. هرچند که این مبنا از جهاتی شبیه به نظریه بطن یابی در علوم قرآنی است؛ اما دارای تفاوت ها و اشکالات بسیاری است. از جمله مهم ترین اشکالات این مبنا تسری نداشتن آن بر تمام آیات قرآن کریم و عدم قانونمندی و چهارچوب مشخص است، هرچند که سعی شده بر اساس الگوی هرمنوتیکی خاص مطرح گردد.

اشکال بعدی این نظریه وجود پیش فرض هاست، به شکلی که نمی توان این پیش فرض ها را از متن نظریه جدا کرد. این امر باعث پیدایش پیامدهایی چون جدایی قرآن کریم از سنت، تاریخ مندی قرآن کریم و عدم وجود فهم ثابت و عینی از قرآن کریم می گردد.

آمنه ودود با طرح مبنای روح کلی قرآن کریم، به پردازش و تبیین قرآن، بدون در نظر گرفتن روایات و قرائن متصل و منفصل می پردازد و از این روی، در فهم او از قرآن کریم، می توان شاهد تضادهای جدی با روایات و شأن نزول آیات بود.

تاریخ مندی قرآن کریم، به معنای تأثر این کتاب آسمانی از زمان، مکان و مخاطب است. این مسئله سبب پردازش قرآن بر اساس اتفاقات و جریان روز می گردد. پذیرش تاریخ مندی قرآن کریم، با سه اشکال مواجه است: اول، عدم تطابق این باور با آیات قرآن کریم؛ دوم، نوع برخورد قرآن و اسلام با فرهنگ عصر نزول؛ سوم، عدم رسوخ خرافات در قرآن کریم. سومین پیامد پذیرش روح کلی قرآن کریم، عدم وجود فهم ثابت و عینی از قرآن کریم است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، مقاصد الشریعة الاسلامیة، دارالنفایس، عمان: ۱۴۱۲ ق.
۳. اشرفی، امیررضا، مبانی تفسیری علامه طباطبائی در المیزان مبانی مرتبط با متن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: ۱۳۹۷.
۴. آزاد، علیرضا، «نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی فضل الرحمان در تفسیر قرآن»، علوم قرآن و حدیث، ش ۱۹، ۱۳۸۸.
۵. بابایی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۶. بارلاس، اسماء، «بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن تفسیر آمنة ودود از قرآن»، مهرداد عباسی و متینه سادات موسوی، پژوهش، ش ۱۳۹، ۱۳۹۲.
۷. بیرامی، رقیه؛ صانعی پور، محمدحسن؛ کریمی بنادکوهی، محمود؛ مروجی، لیلاسادات، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش‌شناسی آمنة ودود در فهم قرآن»، تفسیر و زبان قرآن، ش ۱۲، ۱۳۹۷.
۸. حسینی، فاطمه، «نقدی بر کتاب قرآن و زن نگاشته آمنة ودود»، گلستان قرآن، ش ۹، ۱۳۹۵.
۹. خندق آبادی، حسین، «متن‌گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنة ودود با تمرکز بر تفسیر ۳۴ سوره نساء»، سراج منیر، ش ۱۸، ۱۳۹۴.
۱۰. دادرشت، محمد؛ علوی مهر، حسین، «بررسی پیش‌فرض‌های علوم اجتماعی با تأکید بر قرآن»، سلسله منشورات کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی، مجموعه مقالات قرآن و جامعه‌شناسی، جلد اول، چاپ اول، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۶.
۱۱. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۲)، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۱۳. —، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: چاپ سوم، ۱۳۹۲.

۱۴. —، منطق تفسیر قرآن (۴) قرآن و علم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۳.
۱۵. ریاحی مهر، محمدباقر؛ کریم پورقراملکی، علی، «بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم»، دوفصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، ش ۲۸، ۱۴۰۰.
۱۶. زنداقطاعی، فاطمه، رئیسین، غلامرضا، «آسیب شناسی اثبات تاریخ مندی قرآن در آثار نصر حامد ابوزید»، حسنا، ش ۳۳، ۱۳۹۶.
۱۷. شفیعی، سعید، «رهیافت های تاریخی به تفسیر قرآن»، احسن الحدیث، ش ۳، ۱۳۹۶.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه نشر اسلامی، قم: چاپ نهم، ۱۴۳۰ ق.
۱۹. عباسی، مهرداد، «رویکرد تاریخی فضل الرحمان به قرآن، بررسی توصیفی-تحلیلی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۲۳، ۱۳۹۵.
۲۰. عرب صالحی، محمد، «مبانی تاریخ مندی قرآن و تحلیل و نقد مبنای وحی شناختی آن»، فلسفه دین، دوره ۱۳، ش ۴، ۱۳۹۵.
۲۱. علمی، جعفر، «بررسی و نقد نظریه فضل الرحمن در بازسازی اجتهاد در دین»، علوم سیاسی، سال ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۸۶.
۲۲. علیمرادی، زهرا، «نقد دیدگاه گلدزیهر جامعیت و جهانی بودن قرآن کریم»، دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۳۰، ۱۴۰۰.
۲۳. فتاحی زاده، فتحیه؛ افسردیر، حسین، «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دایره المعارف قرآن لیدن»، مطالعات زن و خانواده، دوره دوم، ش ۲، ۱۳۹۳.
۲۴. قادری، محمدتقی، «کاوشی در مسئله زن و قرآن به شیوه هرمنوتیکی در کتاب آمنه ودود»، گلستان قرآن، ش ۹، ۱۳۹۵.
۲۵. کرانت، رابرت؛ تریسی، دیوید، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس ترجمه و نقد و تحلیل با قرآن، ترجمه: ابوالفضل ساجدی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران: ۱۳۸۵.
۲۶. مبلغی، احمد، فقه رسانه، دانشکده دین و رسانه دانشگاه صدا و سیما، قم: ۱۳۹۳.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن (۶) قرآن شناسی، موسسه امام خمینی، قم: ۱۳۸۹.
۲۸. موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۳۷۹.
۲۹. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن کریم در دیدگاه فریقین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ سوم ویراست دوم، ۱۳۹۱.



۳۰. نقیبی، سیدابوالقاسم، «مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی»، پژوهش های
فقهی، دوره ۱۳، ش ۲، ۱۳۹۶.

۳۱. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران: ۱۳۸۰.

۳۲. ودود، آمنه، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ترجمه: پویا اعظم و معصومه
آگاهی، حکمت، تهران: ۱۳۹۳.

33. Rahman, Fulza, Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition, University of Chicago Press, 1982.
34. Rahman, Fulzar, THE IMPACT OF MODERNITY On ISLAM, Islamic Studies, Vol. 5, No. 2 (JUNE 1966), pp. 113-128
35. Wadud, Amina. Inside the gender Jihad: women's reform in Islam. Oxford: Oneworld, 2006.



Resources

1. The Holy Quran
2. Abbasi, Mehrdad, "Fazlur Rahman's Historical Approach to the Quran, A Descriptive-analytical Review", Islamic History and Civilization, Vol. 23, 2016.
3. Alimoradi, Zahra, "Criticism of Goldziher's View on the Comprehensiveness and Universality of the Holy Quran", Orientalists' Bi-Annual Quran Studies Journal, Vol. 30, 2021.
4. Arab Salihi, Muhammad, "The Basics of the Quran's Historicity and Analysis and Criticism of Its Cognitive Revelation Basis", Philosophy of Religion, Volume 13, Issue 4, 2015.
5. Ashrafi, Amirreza, The Interpretive Foundations of Allamah Tabatabai in al-Mizan, the Foundations Related to the Text, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2018.
6. Azad, Alireza, "A Glimpse at Fazlur Rahman's Hermeneutic Approach in the Interpretation of the Quran", Sciences of the Quran and Hadith, Vol. 19, 2009.
7. Babaei, Ali Akbar, Quran Interpretation Rules, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2nd Edition, 2016.
8. Barlas, Asma, "Rereading the Sacred Text from the Perspective of A Woman's Interpretation of Amina Wadud from the Quran", Mehrdad Abbasi and Matine Sadat Mousavi, Research, Vol. 139, 2013.
9. Birami, Ruqiyah; Saneipour, Muhammad Hassan; Karimi-Banadkouhi, Mahmoud; Maroji, Leila Sadat, "From Monotheistic Hermeneutics to Monotheistic Paradigm; Reviewing the Development of Amina Wadud's Methodology in Understanding the Quran", Tafsir and Language of the Quran, Vol. 12, 2018.
10. Dadsarasht, Muhammad; Alavimehr, Hossein, "Examining the Assumptions of Social Sciences with An Emphasis on the Quran", Series of Manifestos of the International Congress of Quran and Humanities, Collection of Articles on the Quran and Sociology, 1st Volume, 1st Edition, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: 2017.
11. Fattahizadeh, Fethiyyah; Afsardeer, Hossein, "Evaluation and Criticism of the Entry of



- Gender from the Leiden Encyclopedia of Quran”, Women and Family Studies, 2nd Volume, No. 2, 2014.
12. Grant, Robert; Tracy, David, History of Interpretative and Hermeneutic Schools of the Holy Bible, Translation, Criticism and Analysis with the Quran, Translated by: Abolfazl Sajidi, Farhang and Andisheh Research Institute, Tehran: 2006.
 13. Hosseini, Fatimeh, “Criticism of the book of the Quran and the Woman Written by Amina Wadud”, Golestan-e- Quran, Vol. 9, 2016.
 14. I’lmi, Jafar, “Examination and Criticism of Fazlur Rahman’s Theory in the Reconstruction of Ijtihad in Religion”, Political Sciences, Year 10, No. 37, 2007.
 15. Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir, Al-Maqasid al-Shariyyah al-Islamiyyah, Dar al-Nafais, Oman: 1412 A.H.
 16. Khandaqabadi, Hossein, “Historical Textualism; A Glimpse at the Interpretation Method of Amina Wadud, Focusing on the Interpretation of Surah Nisa 34”, Siraj Munir, Vol. 18, 2015.
 17. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, Quranic Studies (6) Quran Studies, Imam Khomeini Institute, Qom: 2010.
 18. Mousavi Khomeini, Ruhollah, Kitab al-Bai’ (Book on Trade), Center for the Preservation and Publication of Imam Khomeini’s Works, Tehran: 2000.
 19. Muballighi, Ahmad, Jurisprudence of Media, Faculty of Religion and Media, University of Broadcasting (Adio and Visual), Qom: 2014.
 20. Najarzadegan, Fathullah, Comparative Study of the Foundations of Interpretation of the Holy Quran in the Perspective of Two Major Sects of Islam, Research Institute of Howzeh and University, Qom: 3rd Edition, 2nd Version, 2012.
 21. Naqibi, Seyyed Abul Qasim, “Purposes of the Shariah and Its Place in the Inference of Sharia Rulings”, Jurisprudence Researches, Volume 13, No. 2, 2017.
 22. Qadiri, Muhammad Taqi, “Exploring the Problem of Women and the Quran in A Hermeneutic Method in the Book of Amina Wadud”, Golestan-e- Quran, Vol. 9, 2016.
 23. Rahman, Fazlur, Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition,

University of Chicago Press, 1982.

24. Rahman, Fazlur, The Impact of Modernity on Islam, Islamic Studies, Vol. 5, No. 2 (JUNE 1966), pp. 113-128
25. Rajabi, Mahmoud, The Method of Quran Interpretation, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 3rd Edition, 2018.
26. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Logic of Quran Interpretation (2), Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: 4th Edition, 2011.
27. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, The Logic of Quran Interpretation (1) Basics and Rules of Quran Interpretation, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: 3rd Edition, 2013.
28. Rezaei-Isfahani, Muhammad Ali, Logic of Quran Interpretation (4) Quran and Science, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, Qom: 2014.
29. Riahi Mehr, Muhammad Baqir; Karimpour Qaramaliki, Ali, "Examination of the Conflict of Quran and Science from Reality to Illusion", Bi-Annual Scientific Journal of Quran and Science, 15th Year, No. 28, 2021.
30. Shafiei, Sa'eed, "Historical Approaches to the Interpretation of the Quran", Ahsan al-Hadith, Vol. 3, 2017.
31. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Islamic Publication Institute, Qom: 9th Edition, 1430 A.H.
32. Vaiezi, Ahmad, An Introduction to Hermeneutics, Farhang and Andisheh Research Institute, Tehran: 2001.
33. Wadud, Amina, Quran and Woman Rereading the Sacred Text from the Perspective of A Woman, Poya Azam and Masoumeh Agahi, Hikmat, Tehran: 2014.
34. Wadud, Amina. Inside the Gender Jihad: Women's Reform in Islam. Oxford: Oneworld, 2006.
35. Zanad al-Qattai, Fatima, Raisyan, Ghulamreza, "The Pathology of Proving the Historicity of the Quran in the Works of Nasr Hamid Abu Zaid", Hasna, Vol. 33, 2017.